

۲۰۲۴۱۷۰

کتابخانه

اسطوره به‌مثابه‌ی میراثی نامیرا

(روایتی از آن‌سوی دیگر روان)

مذالعه‌ی تطبیقی با رویکرد روانکاوی در حوزه‌ی قوم‌شناسی

زمان زودودگی در اسطوره‌شناسی هندی و

تحلیل مفهوم «سامساره»

تألیف: شهیاد صومعه‌سرای‌ی نابت

سرشناسه	صومعه‌سرایی ثابت، شهیاد، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پدیدآور	اسطوره به مثابه‌ی میراثی نامیرا (روایتی از آن‌سوی دیگر روان): مطالعه‌ی تطبیقی با رویکرد روانکاوی در حوزه‌ی قوم‌شناسی زمان زودگی در اسطوره‌شناسی هندی و تحلیل مفهوم سامساره/ تالیف شهیاد صومعه‌سرایی ثابت.
مشخصات نشر	گرگان: انتشارات نوروزی، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۱۷۰ ص.
شابک	978-622-02-0296-7
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا
موضوع	اساطیر هندی/ Mythology, Indic
موضوع	اسطوره -- جنبه‌های روانشناسی/ Myth -- Psychology aspects
موضوع	اسطوره‌شناسی/ Mythology
موضوع	روانکاوی و دین/ Psychoanalysis and religion
موضوع	انسان‌شناسی
موضوع	Anthropology
رده‌بندی کنگره	BL۱۳۹۷۱۲۱۶ ۹۲۱۱ ۹۲ / ۵۵۸ ۶۳
رده‌بندی دیوبی	۹۲۱۱ ۹۲
شماره کتابشناسی ملی	۵۵۸ ۶۳

اسطوره به مثابه‌ی میراثی نامیرا (روایتی از آن‌سوی دیگر روان)

تألیف: شهیاد صومعه‌سرایی ثابت

صفحه‌آرا و طراح جلد: بهاره عزت تبار

نوبت چاپ: اول - بهار ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۱۷۲ ص

قطع: وزیری

شمارگان: ۱۰۰۰

شماره شابک: ۷-۰۲۹۶-۰۲-۶۲۲-۹۷۸

چاپ و نشر: نوروزی-۱۷۳۲۲۴۲۲۵۸

قیمت: ۲۹۰۰۰۰ ریال

حق چاپ برای نویسنده محفوظ می‌باشد.



نشانی: گلستان، گرگان، خیابان شهید بهشتی، بازار رضا (ع)، ۰۱۷-۳۲۲۴۲۲۵۸
دورنگار: ۰۱۷-۳۲۲۲۰۰۴۷ آدرس الکترونیکی: Entesharate.noruzi@gmail.com
سایت انتشارات: www.Entesharate-noruzi.com

فهرست

۷	 دیباچه
۱۵	بخش نخست: تأملی بر بوم‌شناسی رفتار
۱۶	 گفتار نخستین: زمینه ای بر انسان‌شناسی
۲۹	 گفتار دومین: بقاء
۳۶	بخش دوم: دریافت اصطلاح‌شناسی
۳۸	 گفتار سومین: واتیت روانی
۴۷	 گفتار چهارمین: نمود
۵۹	 گفتار پنجمین: اسطوره
۶۹	 گفتار ششمین: فانتزی
۷۲	 گفتار هفتمین: تو تمیسم
۷۹	 گفتار هشتمین: آنیمیم
۸۶	 گفتار نهمین: بت وارگی
۸۸	 گفتار دهمین: جادو و سحر
۱۰۱	بخش سوم: تحلیل
۱۰۲	 گفتار یازدهمین: زمان زدودگی در اسطوره‌شناسی هندی
۱۱۷	 گفتار دوازدهمین: سامساره
۱۲۴	 گفتار سیزدهمین: گرایش روانزاد به تکرار
۱۳۱	 گفتار چهاردهمین: تأملی بر اعمال و سواسی و تشریفات آیینی
۱۴۱	 گفتار پانزدهمین: روانکاوی و اسطوره
۱۵۹	 سخن پایانی
۱۶۱	 کتاب‌شناسی
۱۶۱	 ضمیمه

دیباچه

«امید، تکیه گاهی استوار می‌جست، و هر حصار

این شهر، خشی پوسیده بود.»

(احمد شاملو)

اندیشه‌های امروز بر بقایای تلی از تکه‌های شکسته‌ی اندیشه‌های کهن ساخته شده‌اند. اگر منکر حقایق بدیهی نشویم می‌پذیریم در پدیده‌های نگرش‌هایی که به شکل پایوری سرشته شده باشند رگه‌هایی از باورهای کهن نیز دیده می‌شود. با آنکه در ادبیات و هنر که با اسطوره‌ها و نمادها سروکار داریم اهمیت این موضوع فزون‌تر است.

در پیش فرض نظام معنادهی انسان، ایده‌های فراطبیعی (تافیزیکی) قرار دارند. «میکا تویمی والتاری» در کتاب مشهور خویش: «سینوهه» (پزشک، خدای فرعون)، اندیشه‌ای را در ذهن سینوهه می‌گذارد با این مضمون که هر انسانی صرف‌نظر از میزان رشد یافتگی، سطح دانش و متمدن بودن، نمی‌تواند نسبت به حماقت خویش از گوش سپردن به نقل‌های ساحر تهیدستی که در خصوص نقشه‌ی گنجی سخن می‌گویند، چشم‌پوشی نماید. به همین روش، ما معتقدیم با وجود فن‌آوری مدرن و سطح بالای تکنولوژی زندگی در دنیای امروز، ای بسا انسان متجدد از کنار وسوسه‌ی گوش سپردن به هشدارهای یک پیشگو یا طالع‌بین که به کمک اسطرلاب دارد از خطری قریب‌الوقوع در آینده خبر می‌دهد و یا نوید سعادت عظیم را در آینده سر می‌دهد، نتواند به راحتی عبور کند و آن را ناچیز و بی‌ارزش بینگارد. گویی، الگوی اعتقاد شهودی گذشتگان که مبنای تشخیص خوب و بد یا درست و نادرست بوده علیرغم تحولات ابزاری، فن‌آوری و فکری

اجتماع بشری، به صورت نسخه‌ی اولیه حفظ شده است. باورهای قدیمی را نمی‌توان همچون قطعه‌ای از یک دستگاه تعویض کرد و دور ریخت و یا آن را قطع نظر از ریشه‌های عمیق و گسترده‌ای که داشت، تبدیل به باورهای تازه و، به اصطلاح، کارآمد نمود. هرچند، موضع‌گیری‌های فلسفه‌های مبتنی بر کارکردگرایی سمت و سوی دیگری دارند. مثل تحول، مثل خمر رنگرزی است که در آن رنگ جدید با رنگ قبلی آمیخته می‌شود و به رنگ سومی می‌رسند. این موضوع، اشاره به «حافظه باستانی» انسان دارد که قبلاً با اطلاعات فراطبیعی پُر شده بود. در باورهای آیینی نیز موضوع شهود، قافیه‌ی تنگِ دلایل منطقی را همچون ردیفی موزون، تکمیل می‌نماید. روزی سنت و سیره‌ی زندگی انسان مبتنی بر اطلاعات فراطبیعی بود؛ ساده‌اندیشانه و غیرعلنی است که بپذیریم این اطلاعات در حافظه باستانی ما وجود ندارد و باورهای انسان امروز، به کمی از آثار آن پاک گشته است یا با چشم‌پوشی مصلحت‌اندیشانه وانمود کنیم چون به گذشته تعلق دارد بی‌ری نیست به آن توجه کنیم چرا که در قواره‌های مقتضیات فکری دنیای متمدن امروز نمی‌باشد.

استحاله‌ی فکری، تابع سیر «مرحله» ای است. به بیان روشن‌تری، گاه در حد چهارچوب‌های زمانی، و گاه فراتر از آن ظاهر می‌شود و ملاحظه می‌گردد که برخی از جنبه‌های یک آیین مدت‌ها پس از ظهورش شکل می‌گیرد. ظهور اندیشه‌های معاصر، به شکل‌گیری یک آیین دوامدار، خلق الساعه نبوده مولود فرآیند مرحله‌ای است. در آغاز این مرحله، برای تبیین دقیق‌تر، بجاست اضافه نماییم آنچه که در علم تحت عنوان «مرحله»، از آن یاد می‌شود، شاخص‌هایی دارد که تحولی بودن بالیدگی اندیشه‌ی بشری را به روشنی توضیح می‌دهد. تفکرات بشری دارای ویژگی تحولی و مبتنی بر ترازهای آغازین و پایانی هستند. به طور خلاصه، شاخص‌های مفهوم مرحله را می‌توان بدین ترتیب توضیح داد:

نخست: هر مرحله می‌بایستی دارای ویژگی جامعیت یافتگی باشد. یعنی تمام خصوصیات مرحله‌ی قبل را دارا باشد. مثلاً مرحله‌ی سوم تمام خصوصیات مراحل دوم و اوّل را به خود گرفته باشد اما در چهارچوب و قالب جدید.

دو دیگر: مرحله دارای ساخت‌های «منظومه وار» است که ویژگی دیگر یک مرحله‌ی تحولی است. هیچ گاه برای تشخیص یک مرحله، از تک نشانه‌ها برای اعلام وقوع آن استفاده نمی‌کنیم بلکه منظومه‌ای از نشانه‌ها بیانگر وقوع آن است که ناظر بر رسیدن به موضع متناسب (همخوان) در مرحله‌ی مزبور است. در آیین‌هایی که عمر طولانی‌تری داشتند نشانه‌های بکار رفته‌ی مزبور از انسجام استوارتری برخوردار بوده‌اند.

سه دیگر: هر مرحله دارای دو سطح متمایز است: سطح فراهم شدن (بخش آغازین یا تراز آغازین) و سطح تناسب، (بخش پایانی یا تراز پایانی). سطح فراهم شدن، بیانگر پویایی و سطح تناسب، نشانگر توقف و مرحله‌ی گذار برای وارد شدن به مرحله‌ی دیگر است. به دیگر سخن، وقتی مرحله در حال پیش روی است می‌گوییم در سطح فراهم شدن قرار دارد و وقتی پیش روی متوقف شد بدین معناست که با سطح تناسب رسیده است. مثال روشن آن کیفیت رشد درختان است که در آغاز فصل بهار از خواب زمستانی بیدار می‌آیند و مرحله پویایی یا سطح فراهم شدن شروع می‌شود این روند تا شروع زمستان بعدی ادامه دارد که به سطح متوازن از تعادل نمو می‌رسند. یعنی در ارتباط با نمو یافتگی دوره زمانی که در آن بهر می‌برند و از ابتدای بهار شروع شده بود به پایان آن (نمو یافتگی) رسیده‌اند. در حلقه‌های تیره و روشن مقطع درختان، هر حلقه، نقطه‌ی شروع و پایان مرحله را نشان می‌دهد. هر حلقه به یک مرحله اشاره دارد: مرحله‌ای از نمو یافتگی. همین وجه تسمیه برای مراحل نمو یافتگی آیین‌ها و تمدن‌های باستان، «عمق تاریخ تا به امروز وجود داشته است. در مثال دیگری، برای توصیف نظام کلان تحول اجتماعی در نظریه‌ی روانکاوی فروید که به مراحل رشد «روانی جنسی» موسوم است، عبور از مراحل دهانی، مقعدی و تحلیلی را می‌توان نام برد که در هر مرحله، شخص به تناسب و تعادل نهایی در تحول نزدیک‌تر می‌شود و در برآورده‌ی ویژگی‌های دو مورد قبل نیز می‌باشد.

چهار دیگر: همه ویژگی‌های یک مرحله درون چهارچوب فعلی آن نمی‌گنجد. چه بسا مراحل که نقطه آغازین آن در چهارچوب پیشین و نقطه پایانی آن در ابتدای چهارچوب پسین جای گیرد. به بیان دیگر، در ابتدای چهارچوب پسین شکل گیرد و کمی بعد از شروع مرحله جدید نیز به نقطه پایانی (تناسب) برسد و رشد آن با مقتضیات متناسب گردد. به عنوان مثال، هنگام ظهور بودا (از

جهت چارچوب زمانی نسبت به هندوئیسم) آیین وی هنوز تکمیل نشده بود. اندیشه‌ی بودائی گری سال‌ها پس از ظهور وی هنوز در حال فراهم شدن (چنانکه در آیتم قبل اشاره شد) بود و در گستره‌ی زمان به تناسب و بالیدگی لازم رسید.

در بستر نگرش پویشی، وقتی صحبت از تکوین مراحل رشد ذهنی (روانی) بشر در طول تاریخ مطرح می‌شود شاخص‌های فوق‌الذکر را می‌بایستی در بررسی‌های خود در نظر آوریم. در فضای روانکاوی، خلق الساعه بودن ظهور اندیشه‌ی بشری، خیال‌پردازانه است. اگر هم میزانشنی به‌غایت آراسته و متقارن کنه‌ها، برای جولان امیال ضمیرناآگاه مهیا باشد، ذهن کنجکاو و سمج را در تحلیل‌های خود با وضعیت تناقضی روبرو می‌سازد. اگرچه برای ذهن تعلیم‌نندیده و خرافه‌گرا این تناقض، نوعی حکمت محسوب می‌شود طوری که به‌هیچ‌وجه خود را مقید به درک چگونگی پیدایش آن نمی‌بیند.

«اُتو رانک»^۱ در کتاب «روان‌شناسی راسو» فصل دوم، تحت عنوان: «همزاد بسان خود نامیرا»^۲ که در مورد «همزاد»^۳ در ادبیات قرن ۱۹ نوشته شد و در سال ۱۹۴۱ (با تأخیر دو ساله) به چاپ رسید، اشاره نمود: «فروید به سهم خویش در قیاس خرافات‌های انسان بدوی با عملکرد روان‌نژندانه، باقی ماندن و دوام نیروهای غیرمنطقی در انسان مدرن را مشخص می‌سازد و بدین سان، ناتوانی روان‌شناسان عقل‌محور را در تبیین جهان‌بینی انسان نخستین به اثبات رساند. هم‌چنین با نقل قول از «جیمز جرج فریزر»، رویکرد انسان به خرافه‌گرایی را «روزگاری سیاه از اشتباه و حماقت بشر، از مجاهدت‌های بی‌ثمر زمان از دست رفته و امیدهای تباه شده مینگارد».

^۱ Otto Rank (1884-1939)

اُتو رانک، نویسنده و روانکاو اهل اتریش بود. او با نام «اُتو روزنفلد» در وین، زاده شد. به مدت ۲۰ سال همکاری نزدیکی با زیگموند شلومو فروید داشت. وی سردبیر دو مجله‌ی مهم تحلیلی، مدیرعامل چاپخانه‌ی چاپ و نشر آثار فروید، نظریه‌پردازِ خلاق و نویسنده‌ی پرکاری در زمینه‌ی روانکاوی بود. در سال ۱۹۲۶ میلادی اُتو، وین را به مقصد پاریس ترک کرد و ۱۴ سال عمر پایانی خود را به‌عنوان استاد دانشگاه، نویسنده و روان‌درمانگر در فرانسه و ایالات متحده آمریکا سپری کرد. م

^۲ Beyond Psychology

^۳ The Double as Immortal Self

^۴ Double